



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

چهارشنبه ۲۴ جون ۲۰۲۰

حمید انوری

## از نجیب تا نجیب از جنایت تا جنایت

سخن اینجا از نجیب های نانجیب است. از نجیب جاسوس تا نجیب جاسوس دیگر، از نجیب سرخ تا نجیب سبز، از نجیب الله نوکر روس تا نجیب نوکر ایران.

بلی هموطن! این روز ها سر و صدای هر دو نجیب، نجیب الله "احمدزی" و نجیب مایل "هروی" که هر دو صدقه نام قوم و قبیله خود کردند که هر دو ننگ قوم و قبیله و تاریخ و فرهنگ کشور بوده اند. ببینیم که دستان پشت پرده چگونه این هردو "مرده" را، زنده می سازند.

نجیب خاد را روس های تجاوزگر توسط فشار بر افراد و اشخاص معلوم الحال، از زیر خاک بدر میکنند و نجیب پادو آخندک های بی مقدار جمهوری اسلامی ایران، به وسیله فرزند ناخلف او به همکاری بی بی سی، خاک به سر ریخته اشرا می رویند و چهره منفور و مترود او را از زیر خروارها خاک، بدر میکنند.

آن یکی نجیب گاو را "شهید" خطاب می کند، آن دیگری به قبر او "اتحاف دعا" میکند، سومی اما می گوید "نجیب اشتباه کرد..." و او این اشتباه را تکرار خواهد کرد و...، و این گونه است که آن مرده را، می خواهند زنده سازند.

و اما این یکی در ایران دست به خودسوزی میزند تا نام ننگین پدر، زنده سازد، آن پدری که منفور ملت و مردم خود است و حدود پنجاه سال یا نیم قرن است که با سر خم و دستان بسته و وجدان مرده، در خدمت آخندک های جنایت گستر ایران قرار دارد.

آن یکی در بیست و با تمام توان در خدمت جنایتکاران روسی بود و غیر از خطا و خیانت و جرم و جنایت و جاسوسی و پستی و پلشتی، کار دیگری بلد نبود، و این یکی در بیست و تمام و کمال در خدمت آخندک های بی و سر و پای ایرانی قرار داشت و دارد و سخت در تلاش بود و است تا تاریخ و فرهنگ و زبان و داشته های ملی و میهنی و زبانهای ملی افغانستان را پامال هوس های شوم خود و اربابان ایرانی خود کند. یعنی اینکه نمک را خورد و در نمکدان شاشید.

همین لحظه که این سطور را می نویسم، کتاب یا بهتر بگویم چنل نامه ای از نجیب مایل تحت عنوان "تاریخ و زبان در افغانستان"، در مقابلم باز است، کتابی که از خواهر سرافراز ما، زنده یاد "مرجان کمال"، برای من رسیده است، چون می خواستم در همین نوشته، اندک اندک و بسته و گریخته، بر محتویات این چنل نامه نیز تماس هائی

بگیرم، اما هرچه بیشتر دقیق شدم، به این نتیجه رسیدم که به گفته مشهور، "چتلی را هرچه بیشتر چوبک بزنی، بوی گند آن بیشتر می شود"، لذا از آن گذشتم و بگذار بالای چتلی خاک پاشیده شود.

اما برگردیم به نجیب های چپ و راست، آن یکی کشوری را به آتش کشید و به تاراج داد و این یکی فرهنگ، تاریخ و زبان های ملی یک کشور را سخت تلاش کرد بر باد دهد، تا مگر دل آخندکی را به دست آورد و چهار روز عمر نکبتبار خود را طولانی ساخته و آرگاه و بارگاهی برای خود و خانواده، در بدل خیانت به مملکت و مردم و تاریخ و فرهنگ و زبان آن، دست و پا کند.

آن یکی را اربابان روسی به مثل یک زباله ای متعفن به دور افگند، درست همانگونه که ببرک دلقک را به دور افگند و امین ناامین را مسموم کرده و بعد گلوله باران کرد و...

این یکی را اما آخندک های بی مقدر ایران، عمری در یک بیغوله دانی پرتاب کردند و همانقدر برایش دادند که بخورد و نمیرد و هرگز هم به او تابعیت ایران داده نشد، آنچه که او و خانواده اش سرگردان آن بوده و در بدل آن به مملکت و مردم و تاریخ و زبان و فرهنگ کشور خود سخت خیانت کرد.

و اما برگردیم به فرزند ناخلف نجیب مایل، که جهت به دست آوردن تابعیت ایران، دست به خودسوزی زد.

[ شهاب مایل هروی، فرزند نجیب مایل هروی، استاد زبان فارسی و مهاجر افغان در ایران می گوید در اعتراض "به تبعیض دولت ایران علیه پدرش" در برابر نمایندگی وزارت خارجه ایران در مشهد خودسوزی کرده است.

آقای مایل هروی در گفتگوی تلفنی با بی بی سی فارسی گفت که یک ماه پیش به دلیل "رفتار تحقیرآمیز دولت ایران با پدرش، عملی نشدن وعده های دولت، ندادن شهروندی به پدرش پس از ۴۹ سال زندگی در ایران و ندادن مسکن مصوبه هیات وزیران" خود را آتش زد.

آقای هروی گفت که ۲۵ روز در بیمارستان بستری بوده، یک هفته به صورت کامل بی هوش بوده و "۵۸ درصد بدنش" سوخته است...]

سوال می شود که چرا فرزند ناخلف آن پدر ناخلف، در بیشتر از چهل سال پسین که جمهوری اسلامی ایران، بالای مهاجرین افغان در ایران، اوضاع و احوالی را تطبیق کرد که چنگیز و هلاکو نکرده بودند، تیمورلنگ و ستالین و هیتلر و پالپوت به بنی نوع انسان نکرده بودند، چرا شهاب مایل در اعتراض به آن وحشت و دهشت در مقابل هموطنان مهاجر ما در ایران، دست به خودسوزی نزد؟

چرا آن زمانها که مقامات مسؤول جمهوری آخندی ایران، هزاران هزار هموطن مهاجر و بی پناه و مظلوم ما را به جنگ ایران و عراق می فرستاد و گوشت دم توپ ایرانی ها در جبهات جنگ می ساخت، شهاب مایل دست به خود سوزی نزد؟

چرا زمانیکه آخند های جمهوری اسلامی ایران، هموطنان بخت برگشته مهاجر ما در ایران را به جنگ سوریه میفرستاد و بعداً تابوت های شان به ایران می رسید، شهاب مایل، در اعتراض به آن جنایت عظیم، دست به خود سوزی نزد؟

چرا شهاب مایل در اعتراض به اخراج اجبار مهاجرین افغان از ایران و رد مرز نمودن آن بخت برگشته ها بصورت دسته جمعی و کتلوی، و در شرایط ناگواری که ویروس کرونا بیداد میکند، دست به خودسوزی نزد؟

چرا شهاب مایل، میل ای نیافت تا در هنگام غرق ساختن هموطنان بی دفاع و مظلوم ما در دریای هریرود، توسط سگان وحشی جمهوری اسلامی ایران، به آن عمل سخیف و غیر انسانی اعتراض کند و دست به خودسوزی بزند؟ چرا شهاب مایل هنگامی که عساکر وحشی صفت جمهوری اسلامی ایران، هموطنان مظلوم ما را در داخل یک وسیله نقلیه هدف قرار دادند و همه را طعمه آتش ساختند، دست به اعتراض نه زده و اقدام به خودسوزی نکرد؟ این چراها و صدها چرا ای دیگر می تواند مطرح شود و خفت و خواری و حقارت بی حد و حصر مایل ها (پدر و پسر) را مورد سوال قرار دهد، اما بوی گند آن سخت مشمنز کننده و نفرت انگیز است.

ولی و اما و مگر! چه تفاوتی است از آن نانجیب تا این نانجیب؟!

آن یکی نوکر و جاسوس روس بود که کشوری را به ویرانه مبدل کرد و از کشته های مردم مظلوم افغانستان پشته ها ساخت، گور های دسته جمعی بیشمار در سرتاسر افغانستان ایجاد کرد، هموطنان مظلوم ما را بی رحمانه شکنجه کرد و بند از بند برید و...، و عاقبت به جزای اعمال شوم خود رسید.

بگذار زن و فرزند تبعید شده آن جلاد افغانستان گلو پاره کنند که کی یا کیها پدر جنایت پیشه آنان را کشت و چرا کشت و...

بگذار آنان جنایت عظیم آن جلاد ددمنش و بی همه چیز را در کشور ما، به فراموشی سپرده و نادیده انگارند، تاریخ اما حافظه قوی دارد.

این یکی اما با قلم چنان جنایت ای آفرید که خطرناکتر از جنایت نانجیب و رفقای حزبی او در افغانستان و منطقه می تواند به شمار آید. تاریخ و فرهنگ و زبان یک کشور را مورد حملات سخیفانه قرار دادن، در حقیقت تلاش جهت نابود کردن یک کشور و مردم آن از صفحه تاریخ و روزگار است که نجیب مایل تمام عمر خود را زیر چین و ردای تزویر و ریا و توطئه و تفتین آخذک های کارکشته انگیس، در جمهوری اسلامی ایران، مشغول دست بوسی و پا بوسی و سرخمی به این آخذک ها سپری کرد و جهت دلخوشی آنان، دستبرد های ننگینی به تاریخ و فرهنگ و زبانها ملی افغانستان، زد و حاصل آن اما شرمساری خودسوزی فرزند ناخلف او بود و دیگر هیچ.

در هردو مورد بالا، این دستگاه تبلیغاتی (بی بی سی) بود که دست به تبلیغات همیشگی برد و سخیفانه تلاش کرد هردو نانجیب را سرخط اخبار خود سازد، و خانواده هردو نانجیب را سر زبانها اندازد.

برای مردم افغانستان اما، هردو نجیب، مرده به حساب می روند، مگر روزی که یک حکومت ملی و مردمی در افغانستان به وجود آید و جنایات جنگی و جنایات فرهنگی این نوع افراد و اشخاص را مورد بازخواست قرار دهد.

همین چند روز قبل بود که مقامات آخذی ایران اجساد تعدادی از شهیدان جنگ ایران - عراق را، از عراق به ایران انتقال دادند که در جمع آن شهیدان، بقایای ای جسد یک هموطن ما به نام "نسیم افغانی" هم وجود داشت که در

جنگ ایران - عراق کشته شده بوده است. باز هم بی بی سی گزارش داد: "بقایای اجساد ۱۹۲ سرباز کشته شده در جنگ ایران و عراق، روز دوشنبه (۲ تیر/سرطان) از مرز شلمچه به ایران منتقل شد. در میان این اجساد، عکس

و نام یک نفر بیشتر به چشم می خورد که برخلاف ۱۹۱ نفر دیگر، ایرانی نیست؛ یک "بسیجی افغان" [است] به نام "نسیم افغانی" که گفته شده در اوایل دهه ۱۳۶۰ خورشیدی، از طریق لشکر پنج خراسان به جبهه های جنگ

ایران و عراق رفته [فرستاده شده] و بقایای جسدش در این اواخر، توسط تیم تفحص ایران شناسایی شده است."

آیا گاهی هم شهاب مایل یا پدر او نجیب مایل، به فرستادن اجباری اتباع افغان، از طرف آخند های ایران، به جنگ ایران- عراق، اعتراض کرده بودند؟!

پاسخ به تمام سوالات بالا، صد در صد منفی است!

این هم شعری در مورد کشتار ایرانی ها به دست دژخیمان رژیم تازیانه و دار جمهوری اسلامی ایران:

## ننگ تاریخ بشر!

شعر از: حسن جداری

کاش در عالم، نشان از عنصر ملا، نبود  
وین بساط زهد و تزویر وریا برپا، نبود  
کاشکی در این دیار رنجه از خودکامگی  
این همه اعدام و قتل و غارت و یغما، نبود  
روزگار توده ها شد تیره در زندان شیخ  
کاشکی این تیره روزیها، نصیب ماتن بود  
جز جهالت، جز شرارت، جز فشار و اختناق  
حاصلی از سلطه خونبار ملاها، نبود  
قتل عام توده ها را، شیخ، فتوی داد و مُرد  
این چنین آدمکشی، در پهنه دنیا، نبود  
راستی آن دیو خو، ملای خون آشام را  
ننگ تاریخ بشر گر خوانمش، بیجا، نبود  
در دل چون سنگ شیخ ظالم و بیدادگر  
ذره ای از مهر و انسان دوستی، پیدا، نبود  
اینهمه ظلم و تعدی کرد ملا، زین سبب  
همچو ملا، کس میان توده ها رسوا، نبود